

دکتر باقرپور کاشانی



بررسی و نقد منبع و میزان بودن عقل و حس

بررسی و نقد منبع و میزان

بودن عقل و حس

گفته شد که عقل میزان شناخت است، حجیت عقل ذاتی است، یعنی برای اینکه اثبات بکند که عقل حجت است، عقل میزان است، نیاز به یک شیء دیگری نیست.

حتی [به] وحی هم ما با همین عقل می‌رسیم، یعنی وحی نباید تأیید نسبت به این عقل داشته باشد که عقل حجت را بکند، به خاطر این که یک نفر دین و بهش نرسیده، چه جوری می‌رسد مثلاً به وحی؟ با عقل! عقل حجیتش ذاتی است. ذاتی یعنی به خودش است، یعنی چیز دیگری لازم نیست اثباتش بکند. دین را مثلاً چیز دیگری لازمه اثبات بشود، عقل اثباتش می‌کند، می‌رسد که دین از ناحیه خداست، اما خب عقل چی؟ عقل خیر! نیاز نیست چیز دیگر اثباتش بکند، حجیتش ذاتی است. گفته شد عقل معصوم هست، یعنی اشتباه ندارد، بعد گفته شد خب این اختلاف و تفاوت‌هایی که استدلال‌های متفاوتی که عقلاً ارائه می‌دهند چیست؟ گفتیم این‌ها ایراد از عقل است. عقلاً از عقل درست استفاده نکردند، عقلاً گاهی اوقات وهم و خیال و هوای نفس و حب دنیا و تعصب و لجابت و امور دیگری را داخل می‌کنند و به هر حال آن طور که باید، کار پیش نمی‌رود.

پس نکته‌ای که عرض داشتم این‌که، عاقل هست که اشتباه می‌کند، عقل به مانند همان میزان هست، عقل به مانند همان ترازوست، ترازو اشتباه نمی‌کند، عاقل است که درست استفاده نمی‌کند از این عقل. گاهی اوقات، قسمتی از مباحث را عقلی پیش می‌برد، قسمتی از این‌ها را مثلاً با خرافات قاطی می‌کند، و خب این به نتیجه صحیح و پاکی نمی‌رسد.

پس این شد در ارتباط با حجیت عقل. بعد یک نکاتی را من عرض کردم نسبت به حس، گفتم که بعضی افراط چه نسبت به حس داشتن چه نسبت به عقل.

عقلیون محض بود که عرض کردم خدمتتان، این‌ها می‌گویند که اساساً این حس هیچ دخلی در ارتباط با معرفت و شناخت انسان ندارد که این بحث اشتباهی بود، گفتم که حس، تجربه، معرفت آدم را زیاد می‌کند، اما در پرتو همین عقل هست که می‌تواند از این حس درست استفاده بکند.

اگر یک نفر حس قوی داشته باشد ولی عقل نداشته باشد، مثل آن درجه پایینی از حیوانات که درک دارند، خب آن‌ها حس قوی‌تری نسبت به ما دارند، اگر واقعا به حس بود، باید آن‌ها رشد بیشتری پیدا می‌کردند. پس عقل دخیل هست؛ در علم، برای یک عاقل حس باعث می‌شود که از این داده‌ها استفاده بکند و بتواند درست کار را پیش ببرد.

لذا ما این پیشرفت علوم مادی را که لحاظ می‌کنیم، منهای حس نمی‌شود،
منهای عقل هم نمی‌شود.

عقل خطای حس را می‌گیرد؛ مثال‌هایی زدم خدمتتان، مثلاً یک چوبی را
شما وارد آب می‌کنی، می‌بینی یک انحنایی دارد، انحنای پیدا می‌کند، خب این
خطای حس شماست.

یا مثلاً سراب، نمونه دیگری هست، اما یک بار که وقتی این مسئله را
بررسی بکند، دریافت بکند که این واقع نیست، بعد عقل این یافته را نزد
خودش نگه می‌دارد و سری‌های بعد اگر حس مثلاً آن و سراب بیابد یا
اشتباهی داشته باشد، عقل می‌تواند تشخیص بدهد.

عقل و حس در کنار هم دیگر باعث پیشرفت می‌شود، منتها میزان، آن
کسی که اشتباه درش راه ندارد، عقل هست.

حس توش اشتباه هست، حس به عنوان منبع شناخت هست، به عنوان
میزان شناخت نیست.

چون میزان توش اشتباه راه ندارد، اما ما می‌بینیم که در ارتباط با حس
در مواردی اشتباه وجود دارد.

خب این نکاتی را گفتیم، بعد رسیدیم که در خصوص مستقلات عقلی،
گفتیم عقل همین‌طور که میزان هست، کار می‌کند را داده‌های حسی، تعمیم
می‌کند، از جزئیات کلی می‌سازد، تجرید می‌کند، گاهی اوقات ویژگی‌های
ظاهری را کنار می‌زند

و یک جنس و فصل و خصوصیات مشترکی بین موجودات لحاظ می‌کند، ویژگی‌هایی را نسبت به عقل عرض کردیم، نکته‌ای که اشاره کردم این‌که عقل هم میزان شناخت هست هم منبع شناخت هست.

منبع شناخت از باب اینکه بالاخره یک سری معرفت‌هایی در درون خودش دارد به عنوان مستقلات عقلی، مستقلات عقلی به مانند اجتماع نقیضین ام‌القضایا، ارتفاع نقیضین، اجتماع ضدین، گفتیم این‌ها در خارج نیست که یک نفر با حس بخواهد این‌ها را درک بکند، با تجربه بخواهد این‌ها را به دست بیاورد، خب از کجا می‌فهمد محال هست؟

این جزء علومی‌ست که در ارتباط معارفیه که خود عقل به انسان می‌دهد، بدیهیاتی هست که می‌دهد، خود عقل در اختیار ما می‌گذارد. پس علاوه بر این‌که عقل میزان است و نادرستی درش راه ندارد و خطای حس را می‌گیرد، خودش هم واجد معرفت هست، مثلاً بدیهیات را در اختیار ما می‌گذارد.

تا اینجا مسائل را عرض کردیم و توضیح دادیم، پس این‌گونه شد که میزان شد عقل و حس هم به عنوان منبع شناخت، هم‌چنان که عقل هم به عنوان منبع شناخت مورد قبول هست.



@aparat.com/be
_sooye_zohoor



v_bagherpour_
kashani



@seratehagh1



besouyezohour



bagherpour-
kashani.com/



@serat12k



youtube.
com/c/seratehagh



https:
//naakhodaa.ir